

فهرست منابع

چهارشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۳
<div>شمارهٔ ۴۳۱۹</div>
<div> <div><div><div><div></div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY.COM</div></div></div></div><div><div></div><div><div></div><div><div>FARHIKHTEGANONLINE</div></div></div></div></div></div>

انزوagrایی ترامپ، موهبتی برای چین

چرا چین بیمی از ترامپ ندارد؟

سجاد عطازاده **منرجم**

یان شسُوئه تونگ، نظر به‌پرداز برجسته سیاست خارجی چین و رئیس مؤسسه روابط بین‌الملل دانشگاه چینهاو این کشوردر مقاله «چرا چین بیمی از ترامپ ندارد؟ تنش‌های آمریکا و چین ممکن است افزایش یابد، اما انزوagrایی او به پکن کمک خواهد کرد» که دروب‌سایت فارن‌افرزمنتشر شده به بررسی چشم‌انداز رقابت پکن و واشنگتن در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ پرداخته و به طرح این گزاره پرداخته است که علی‌رغم ادبیات تند ترامپ علیه چین، ریاست‌جمهوری او به نفع پکن خواهد بود؛ زیرا انزوagrایی او سبب نزدیک‌تر شدن متحدان سنتی آمریکا به چین خواهد شد.
مطلب ذیل ترجمه و طبیعی است که همه منطبق و الفظ استفاده شده در این متن مورد تأیید «فرهیختگان» نیست؛ اما جهت اطلاع از ابعاد مختلف موضوع، در یک روزنامه دانشگاهی عیناً منتشر می‌شود.

□□□

سال‌هاست که دونالد ترامپ چین را به باد انتقاد گرفته و آن را عامل اصلی همه ناملایمתי‌ها در ایالات‌متحده توصیف کرده است. او از کسری تجاری بزرگ واشنگتن با پکن ابراز تأسف کرده و چین را به دلیل توخالی کردن قلب مرکز صنعتی آمریکا سرزنش کرده است. ترامپ اصرار دارد چین مقصر همه‌گیری کرونا بوده است. اخیراً هم او بحران مواد افیونی در ایالات‌متحده را به یک گریزه و چین را به «حمله» به ایالات‌متحده با ماده مخدر فتانتیل متهم کرده است. در گردهمایی‌ها و جلسه‌های مطبوعاتی ترامپ از چین به‌عنوان یک دشمن هیولایی یادشده است؛ دشمنی که فقط ترامپ می‌تواند بر آن فائق آید. ترامپ در اولین دوره ریاست‌جمهوری خود دهه‌ها سیاست ایالات‌متحده درباره چین را با آغاز یک جنگ تجاری علیه پکن تغییر داد. اکنون هم که ترامپ برای آغاز دوره دوم ریاست‌جمهوری خود آماده می‌شود، ادبیات و انتصاب‌های او در کابینه نشان می‌دهد رویکرد تندرو خود را دوچندان خواهد کرد. روابط پر تنش بین دو کشور قرار است پر تنش‌تر شود. امسارهبران چین با ترس به دوره ترامپ نگاه نمی‌کنند. آن‌ها از اولین دوره او چیزهای زیادی یاد گرفته‌اند. البته تمایل او به حمایت‌گرایی اقتصادی منجر به اختلافات بیشتر و افزایش تنش‌ها خواهد شد؛ اما پکن معتقد است می‌تواند چنین رویارویی‌هایی را مدیریت کند. علاوه بر این، تعهد ناپایدار ترامپ به متحدان ایالات‌متحده، سایر کشورها را تشویق خواهد کرد تا دست به «وسط‌بازی» بزنند و برای جبران غیرقابل‌پیش‌بینی بودن واشنگتن، روابط خود را با پکن تحکیم کنند. احتمال درگیری نظامی با ایالات‌متحده نیز کم است. از آنجایی هم که در سیاست خارجی ترامپ هرگز خبری از تعهدات عمیق ایدئولوژیک نبوده، بعید به نظر می‌رسد رقابت بین دو کشور ابعاد مخرب‌تری از جنگ سرد به خود بگیرد. ترامپ نمی‌خواهد درگیر جنگ شود و ترجیح می‌دهد بر اصلاحات داخلی تمرکز کند. او به‌زودی و با هدف مهار چین وارد کاخ سفید خواهد شد، اما رهبران چین از بازگشت او هراسی ندارند.

خون سرد در برابر ترامپ

پکن بر این باور نیست که نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ ایالات‌متحده تأثیر زیادی بر مسیر کلی سیاست ایالات‌متحده در قبال چین خواهد داشت. هرکسی که به‌عنوان رئیس‌جمهور وارد کاخ سفید می‌شود، از یک اجماع دو حزبی بر خورودار خواهد بود که چین را تهدید می‌کند برای سلطه جهانی ایالات‌متحده می‌داند و به تلاش برای مهار چین ادامه خواهد داد. البته روش‌شن است که همه‌چیز از دولتی به دولت دیگر ثابت نخواهد ماند. سیاست ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود در حوزه چین، نه تنها با سیاست‌های دولت جو بایدن، بلکه با دوره اول ریاست‌جمهوری خود او نیز متفاوت خواهد بود. مثلاً ترامپ مناصب مهمی در حوزه سیاست خارجی و امنیت‌های او به افراط‌گرایان دست‌راستی واگذار کرده است که برخی از آن‌ها کمتر از ۵۰ سال‌سن دارند؛ امری که نشان‌دهنده تغییری باز در مقایسه با دوره اول ریاست‌جمهوری او به‌شمار می‌رود. بر خلاف جبهه‌های آن دوره که بسیاری از آن‌ها مقامات نظامی غرق در تجربه‌هاوآخر دوران جنگ سرد بودند (زمانی که چین و ایالات‌متحده شرکای راهبردی یکدیگر محسوب می‌شدند)، بسیاری از انتخاب‌های جدید او در دوران خیزش فوق‌العاده‌سریع چین در صحنه جهانی وارد عرصه شده‌اند. آن‌ها چین را تهدید اصلی برای ایالات‌متحده می‌دانند و از سیاست‌های افراطی‌تر و قه‌ری‌تر برای سرکوب پشرفتن‌های این کشور پشتیبانی می‌کنند.

اما چنین رویکرد سخت‌گیرانه‌ای ممکن است در یک زمینه ژئوپلیتیکی که از دوره اول ترامپ به‌طور قابل‌توجهی تغییر کرده است، کارساز نباشد. هنگامی که ترامپ در سال ۲۰۱۷ وارد کاخ سفید شد، بیشتر کشورها فکر می‌کردند او در مقام خود بسیار شبیه به یک رهبر متعارف، یک تصمیم‌گیرنده از نظر

ایدئولوژیک بی‌طرف و از نظر اقتصادی منطقی رفتار خواهد کرد. متحدان اصلی ایالات‌متحده امیدوار بودند که ترامپ به امنیت آن‌ها متعهد باشد. پکن در سسال اول ریاست‌جمهوری ترامپ از او برای دیدار از چین دعوت کرد. روسیه هم با وجود مخالفت ایالات‌متحده با الحاق کریمه به این کشور در سسال ۲۰۱۴، در سال ۲۰۱۷ از او برای شرکت در مراسم سالانه پیروزی کرملین در جنگ جهانی دوم دعوت کرد.

اسا این بار رهبران جهان تمایل دارند تا از کشورهای خود در برابر عدم قطعیت موجود در دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ محافظت کنند. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، ترامپ را در اوایل دسامبر به پاریس دعوت کرد تا به او تأکید کند که اروپایی‌ها تصمیم‌گیرندگان اصلی در مورد امنیت خود خواهند بود. آلمان و ژاپن هم بیم آن را دارند که ترامپ برای تضمین حضور نظامی آمریکا در کشورهای آن‌ها پرداخت پول بیش‌تری را مطالبه کند. دولت موقت کره جنوبی هم نگران آن است که ترامپ از فقدان اختیارات این دولت نیل به منافع اقتصادی آمریکا استفاده کند. ترامپ باید با این واقعیت دست‌وپنجه نرم کند که روسیه و ایالات‌متحده اکنون در دو طرف جنگ در اوکراین و در مقابل یکدیگر قرار دارند. حمایت‌های سیاسی و کم‌کهای نظامی زلزله‌ناپذیر واشنگتن از عملیات وحشیانه اسرائیل در غزه – که بسیاری در جهان آن را یک نسل‌کشی می‌دانند- نفاق موجود در ادعاهای ایالات‌متحده درباره پر دام‌چراغ حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را بیشتر آشکار کرده است.

از زمان روی کار آمدن ترامپ در هشت سال پیش، پکن در مدیریت رقابت خود با واشنگتن مهارت بیش‌تری کسب کرده است. شاید بتوان این‌گونه گفت که این رقابت به‌طورجدی از سسال ۲۰۱۰ آغاز شده است؛ زمانی که باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات‌متحده، «چرخش به آسیا» را آغاز کرد. در سال‌های بعد، پکن از راهبردهای متفاوت دولت‌های اوباما، ترامپ و بایدن عبور کرده است. اوباما و بایدن سعی کردند از طریق رویکردهای چندجانبه چین را مهار کنند، درحالی که ترامپ مسیر یک‌جانبه‌گرایانه‌تری را در پیش گرفت. با توجه به این تجربه، رهبران چین از دورنمای یک دوره دیگر ریاست‌جمهوری ترامپ نگران نیستند و حتی دستورالعمل‌های راهبردی‌ای را در درباره نحوه مدیریت سیاست‌های بالقوه رئیس‌جمهور منتخب در قبال چین در ماه نوامبر منتشر کردند. بر اساس سند منتشر شده توسط سرکنسولگری چین در لس‌آنجلس در ۱۷ نوامبر، پکن به تعهد به احترام متقابل، هژمونیست مسالمت‌آمیز و همکاری برد-برد به‌عنوان اصول مدیریت روابط چین و آمریکا پایبند خواهد بود. «عبارت «احترام متقابل» حاکی از آن است که چین در برابر هرگونه اقدام تحریک‌آمیز ترامپ دست به اقدام تلافی‌جویانه خواهد زد. «هم‌زیستی مسالمت‌آمیز» هم حاکی از آن است که چین به دنبال تعامل با ترامپ در گفت‌وگو درباره مدیریت اختلافات و درگیری‌های برای تثبیت روابط دو جانبه خواهد بود. «همکاری برد-برد» هم به کار مشترک روی آن دسته از موضوعات جهانی که در آن چین و ایالات‌متحده منافع مشترکی دارند – مانند پایان دادن به جنگ در اوکراین، تدوین مقررات و دستورالعمل‌هایی برای هوش مصنوعی و مهار جریان مواد مخدر- اشاره دارد.

تلاطم در پیش است

به نظر می‌رسد ترامپ مصمم است در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود، مخصوصاً درباره چین، به حمایت‌گرایی اقتصادی بپردازد. او اظهار داشته شاید تعرفه‌های بیش‌تری بر کالا‌های چینی اعمال کند، محدودیت‌های زیادی را بر سرمایه‌گذاری ایالات‌متحده در چین و همچنین سرمایه‌چینی در بازار سهام ایالات‌متحده وضع کند، موانع بیش‌تری را برای همکاری‌های فناورانه دو کشور ایجاد کند و تعداد دانش‌جویان چینی را که در ایالات‌متحده تحصیل می‌کنند، کاهش دهد. این تصمیمات منجر به اصطکاک بیش‌تر بین پکن و واشنگتن خواهد شد. البته دولت بایدن هم تعرفه‌هایی را که ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود بر محصولات چینی وضع کرده بود، تمدید کرد اما این کار در اصل بر کنار گذاشتن چین از زنجیره‌های تأمین فناوری تمرکز داشت و در پی «زوج‌زدایی» همه‌جانبه اقتصاد ایالات‌متحده از چین نبود. در دولت بایدن، علی‌رغم توقف همکاری در زمینه فناوری‌های پیشرفته، تجارت در بخش‌های دیگر بین چین و ایالات‌متحده ادامه داشت؛ اما ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری خسود احتمالاً برای زوج‌زدایی گسترده‌تر با چین فشار بیش‌تری خواهد آورد و تلاش خواهد داشت تا سهم محصولات چینی از بازار ایالات‌متحده را به‌شدت کاهش دهد؛ از جمله کالاهایی که خارج از چین منوآزی می‌شوند؛ اما به‌شدت به سرمایه‌گذاری‌ها و قطعات چینی وابسته‌اند. پکن هم احتمالاً دست به تلافی خواهد زد. این پویایی‌های مبتنی بر عمل متقابل ممکن است جنگ تجاری شدید بین دو قدرت را به اوج برساند و عواقب مخربی برای اقتصاد جهانی داشته باشد؛

آیا آمریکا «تحریرالشام» را از لیست گروه‌های تروریستی خارج می‌کند؟

تروریست پاره‌وقت

جولانی ایدئولوژی جهادی خشونت‌آمیز جهانی خودرا که درصددبرقراری حکومت اسلامی در سراسر جهان اسلام بود، به اهداف ملی در سوریه تغییر و تقلیل داد. علی‌رغم این انشعبات ایدئولوژیک در بدنه گروه‌های تروریستی، وزارت خارجه آمریکا در ماه می ۲۰۱۸، این گروه را به عنوان یک سسازمان تروریستی خارجی (Foreign Terrorist Organization) (FTO) به نام قبلی خودیعنی جبهه النصره وابسته به القاعده، به فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی اضافه کرد و در سال ۲۰۱۷، یک جایزه ۱۰ میلیون‌دلاری برای دریافت اطلاعات در مورد جولانی، به‌عنوان یک «تروریست ویژه خطرناک» پیشنهاد داد. تامرزو این گروه در لیست گروه‌های تروریستی آمریکا قرار دارد و در گزارش‌های سالانه وزارت امور خارجه این کشور در مورد تروریسم، تحریرالشام به‌عنوان یکی از تهدیدها در سوریه ذکر شده است.

حذف تحریرالشام از فهرست گروه‌های تروریستی

قدرت گرفتن هیئت تحریرالشام در سوریه و تسلط این گروه به رهبری جولانی بر نظام سیاسی این کشور، این انکاره را پررنگ کرده است که این گروه با رعایت شروطی، امکان خروج از لیست تروریستی آمریکا را دارد. هرچند مواضع اعلامی آمریکا در رابطه با تحولات سوریه و قدرت گرفتن هیئت تحریرالشام در این کشور محتاطانه بوده‌است؛ اما بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در اولین واکنش خود نسبت به تحولات سوریه اظهار داشت: «سقوط اسد یک اقدام آسامی در جهت عدالت است… ما همه گروه‌های سوری، از جمله در فرایند رهبری سازمان ملل متحد، برای ایجاد مرحله گذار از حکومت اسد تعامل خواهیم کرد.» در قالب این تعامل

زیرا بسیاری از کشورهای دیگر هم برای اتخاذ سیاست‌های حمایت‌گرایانه تلاش خواهند کرد.

از آنجایی که ترامپ در پی تشدید جنگ تجاری است، دولت او احتمالاً فشار نظامی بر پکن را افزایش خواهد داد. ترامپ هنگام رویارویی با دشمنان اغلب به تاکتیک‌های قلدری و بلوف‌زدن روی آورده است – مانند تهدید حمله به کره شمالی با «آتش و خشم» پس از آزمایش موشک‌های میان‌برد پیونگ‌یانگ در سال ۲۰۱۷. مارکو رویو، نامزد ترامپ برای وزارت خارجه و پیت هگرت، نامزد وزارت دفاع هر دو از شاخص‌های جنگ‌طلب آمریکایی علیه چین بوده و عقاید قوی ضدکمونیستی دارند. اگر سنای تصدی این مسئولیت‌ها توسط آن دو را تأیید کند، ممکن است تمایل ترامپ به بلوف‌زدن در حل تنش‌های نظامی‌ها با پکن به‌ویژه درباره مسائل مربوط به تنگه تایوان و دریای چین جنوبی، افزایش یابد کند. واشنگتن ممکن است از طریق لغاظی‌های خصمانه و اقدامات نسنجیده بحران‌هایی را مشابه آنچه پس از سفر نانسی پلوسکی، رئیس وقت مجلس نمایندگان به تایوان در سال ۲۰۲۲ رخ داد، برانگیزد؛ اقدامی که سبب شد چین با افزایش فعالیت‌های نظامی خود در تنگه تایوان و اطراف آن دست به پاسخ بزند. اگر ترامپ یا مقامات دولت او در نهایت جرعه حوادث مشابهی را برانگیزند و باعث افزایش تنش بین چین و ایالات‌متحده شوند جای تعجب نخواهد بود.

دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ تقریباً به‌طورقطع تأثیری دلخراش بر گفت‌وگو‌های رسمی بین پکن و واشنگتن خواهد داشت. در دولت اوباما بیش از ۹۰ کانال رسمی برای گفت‌وگو بین دو دولت وجود داشت که در پایان دوره اول ترامپ، خبری از هیچ‌کدام از آن‌ها نبود. ترامپ احتمالاً نزدیک به ۲۰ کانال موجود آمریکا با چین را که دولت بایدن ایجاد کرده بود، به حالت تعلیق در خواهد آورد و ممکن است آن‌ها را با کانال‌های جدید تحت نظارت مستقیم خود و نه کانال‌های مربوط به کارگزاران ای‌تبه جایگزین کند؛ اما چنین هنگام تماس با ترامپ بسیار محتاط خواهد بود زیرا رهبران این کشور هنوز به یاد دارند که چگونه پس از سفر ترامپ به پکن در نوامبر ۲۰۱۷، روابط دو طرف به‌سریعت و طی یک ماه رو و به‌خوش گذشت و واشنگتن در سازمان تجارت جهانی منکر جایگاه چین به‌عنوان یک کشور در حال توسعه شد.

فراتر از جنگ بین دو دولت خصوصت بین چین و ایالات‌متحده می‌تواند در سطح اجتماعی نیز افزایش یابد. پوپولیسم در هر دو کشور در حال قوت گرفتن است و در نتیجه آتش‌جنگونیسم [ملی‌گرایی افراطی] شعله‌ورتر خواهد شد. اگر ترامپ به تهدید خود مبنی بر هذف قرار دادن چین با اقدامات اقتصادی عمل کند و درگیر شاخ‌وشو‌شانه کشیدن بیشتر علیه پکن شود، تنش سیاسی حاصله بین دو کشور ناگزیر منتهی به خلق خصوصت بین مردم دو کشور نیز خواهد شد. هم پوپولیست‌های آمریکایی و هم پوپولیست‌های چینی (گروه‌هایی که عمدتاً متشکل از کاربران اینترنتی رادیکالی هستند که چهره‌های تأثیرگذار جنگونیست را در شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌کنند) علت مشکلات داخلی خود را به بدخواهی خارجی نسبت می‌دهند؛ استدلالی که توسط صاحبان قدرت هم تشویق می‌شود؛ زیرا به‌راحتی نوک پیکان تقصیر را به بیرون از مرزها منتقل می‌کند. با این شرایط ممکن است بهبود روابط دو جانبه دشوارتر شود زیرا فشار فرهنگی و اجتماعی سبب پارچا بودن اختلافات این دو کشور خواهد شد.

به شکاف بین دو کشور توجه کنید!

دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ می‌تواند سبب ایجاد تنش‌های فزاینده بین چین و ایالات‌متحده شود؛ زیرا او تلاش خواهد کرد تا از فشار اقتصادی و نظامی برای مهار پکن استفاده کند؛ اما ریاست‌جمهوری او ممکن است از چند جهت هم به نفع چین باشد. مثلاً بی‌علاقگی نسبی ترامپ به مسائل ایدئولوژیک ممکن است سبب کاسته شدن از شدت بعضی از جنبه‌های رقابت با چین شود. مثلاً ترامپ هرگز حقیقتاً وقعی به حقوق بشر ننهاده است. او هیچ علاقه‌ای به شکل دادن به نظام سیاسی چین برای تطبیق آن با همتایان غربی خود ندارد و بنابراین بعید است که مایل به مداخله در امور داخلی چین باشد. پکن هم هیچ برنامه‌ای برای گسترش ایدئولوژی خود در سطح بین‌المللی ندارد؛ زیرا حزب کمونیست چین بر حفظ ثبات سیاسی در داخل کشور تمرکز دارد. در دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ درگیری‌های اقتصادی و راهبردی ممکن است بین پکن و واشنگتن افزایش یابد اما به درگیری‌های ایدئولوژیکی که دو کشور در از مسیر بر‌خورد مستقیم با یکدیگر قرار دهد تبدیل نمی‌شوند.

انزواطلی می‌رسد – ممکن است ایالات‌متحده را به کاهش سرمایه‌گذاری در راستای حمایت از متحدان سنتی خود سوق دهد. رئیس‌جمهور منتخب آمریکا مدت‌هاست که متحدان واشنگتن را به خاطر مفت‌سواری بر قدرت

و سخاوت واشنگتن مورد انتقادات شدید قرار می‌دهد. این گلابه‌ها ممکن است متحدان ایالات‌متحده، از جمله کشورهای اروپایی و آسیای شرقی را متوجه مزایای وسط‌بازی بین چین و آمریکا کند. کافی است به سنگاپور بنگرید. در سسال ۲۰۱۰، با افزایش رقابت ایالات‌متحده و چین، سنگاپور راهبرد خاصی را برای وسط‌بازی بین دو قدرت بزرگ اتخاذ کرد. این کشور در روابط اقتصادی خود به سمت چین متمایل شد و این در حالی بود که برای امنیت به ایالات‌متحده متکی بود. بسیاری از کشورهای دیگر از جمله ژاپن، آلمان، فرانسه، بریتانیا و اعضای دیگر اتحادیه کشورهای آسیای جنوب شرقی (آسه‌ان) هم از این روند پیروی کردند.

از سال ۲۰۲۲، جنگ در اوکراین بسیاری از کشورهای غربی را به لرزه در آورده و آن‌ها را مجبور به هم‌سویی بیشتر با ایالات‌متحده کرده است؛ اما اگر ترامپ همان‌طور که در مبارزات انتخاباتی خود وعده داده است کمک‌های نظامی به اوکراین را کاهش دهد، شاید اعتماد به وعده‌های امنیتی ایالات‌متحده هم کاهش یابد. کشورهای اروپایی برای تقویت اقتصاد خود به‌گونه‌ای که بتوانند بهتر از تلاش‌های جنگی اوکراین حمایت کنند، ممکن است به وسط‌بازانی صریح‌تر تبدیل شوند و به این ترتیب چین فرصت‌های جدیدی برای ایجاد همکاری‌های اقتصادی با متحدان سنتی ایالات‌متحده بیابد. ترامب همچنین خود را یک صلح‌ساز می‌داند و تمایل دارد مدعی باشد که او به جنگ در اوکراین پایان داده است. پکن می‌تواند نقش سازنده‌ای در کمک به ترامپ برای دست‌یابی به این هدف ایفا کند. این جنگ فقط پیامدهای منفی برای اقتصاد چین دارد و پکن از مشاهده آرام‌ان خوشحال خواهد شد. چین روابط نزدیکی با روسیه دارد و می‌تواند از این نفوذ در همکاری با ترامپ برای دستیابی به یک توافق صلح موثر استفاده کند.

ترامپ همچنین صرف‌نظر از لغاظی‌های تند خود به دنبال اجتناب از درگیری آشکار با چین خواهد بود. موضوع استقلال تایوان منبع اصطکاک بین پکن و واشنگتن بوده و خواهد ماند اما بعید است که چین و ایالات‌متحده بر سر آن وارد جنگ شوند. در چهار سال آینده توجه پکن به‌طور قابل توجهی به احیای اقتصاد کند. چین جلب خواهد شد. زمانی که چین دغدغه رشد تولید ناخالص داخلی خود را داشته باشد، بعید است یک جدول زمانی برای اتحاد مجدد با تایوان تنظیم کند. ترامپ نیز به‌نویه خود می‌خواهد در تاریخ به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین رؤسای جمهور ایالات‌متحده و هم‌تراز با کسنانی مانند جورج واشنگتن و آبراهام لینکلن ثبت شود. برای این منظور او بر اصلاحات داخلی و ایجاد یک اقتصاد قوی در داخل کشور تمرکز خواهد کرد. ترامپ نمی‌خواهد درگیر موضوع تایوان شود و خطر وارد شدن به جنگ بین قدرت‌های بزرگ را بی‌پذیرد – او بسیار مفتخر است که در دوره اول ریاست‌جمهوری خود حتی یک جنگ را شروع نکرده است.

کسنانی که پیش‌بینی وقوع یک جنگ سرد تاریک بین چین و ایالات‌متحده ترامپ را دارند، اشتباهی می‌کنند. رقابت ایالات‌متحده با چین نه بر سر ایدئولوژی – مانند رقابت با اتحاد جماهیر شوروی – بلکه بر سر فناوری است. در عصر دیجیتال، امنیت و رفاه به‌شدت به پیشرفت فناوری بستگی دارد. چین ایالات‌متحده بر سر نوآوری در زمینه‌هایی مانند هوش مصنوعی و بر سر بازارها و زنجیره‌های تأمین فناوری پیشرفته با یکدیگر رقابت خواهد کرد. آن‌ها به دنبال پیوستن دیگران به ایدئولوژی حاکم بر خود نیستند – امری که در دوران ترامپ به‌صورت قطعی صدق می‌کند. اتحاد جماهیر شوروی و ایالات‌متحده از جنگ‌های نیابتی برای گسترش کمونیسم و سرمایه‌داری استفاده می‌کردند؛ جنوب جهانی هنوز هم پژواک ویرانی‌ها و تحولاتی را که این جنگ‌ها در سراسر جهان به راه انداخته بودند بر گرده خود احساس می‌کند؛ اما امروزه درگیری‌های نیابتی بین قدرت‌های بزرگ کارکرد چندانی ندارد. پکن علاقه‌ای به تغییر ایدئولوژی کشورهای دیگر ندارد. ترامپ هم اصلاً مایل نیست به اشاعه ارزش‌های آمریکایی بپردازد. او جنگ در اوکراین را یک جنگ نیابتی علیه روسیه دانسته و این تلاش را کاملاً نکوهیده می‌داند. دلیلی وجود ندارد که او یک جنگ نیابتی را علیه چین بر سر تنگه تایوان یا دریای چین جنوبی بسه راه بیندازد. بهمانند که پکن منابع اقتصادی و نظامی بسیار بیش‌تری نسبت به روسیه دارد.

در رقابت قدرت‌های بزرگ سیاست خارجی اغلب نقش دوم را در مقابل سیاست داخلی بازی می‌کند. اگرچه انزواطلی ترامپ قطعاً فرصت‌هایی را برای پکن ایجاد خواهد کرد تا روابط خود را با متحدان ایالات‌متحده بهبود بخشند، اما این اصلاحات داخلی است که مسیر رقابت بین دو قدرت را تعیین خواهد کرد. در حال حاضر هم رهبران چین و هم تیم ترامپ بیشتر به مسائل داخلی مشغولند تا مسائل خارجی. اگر رهبران چین در چهار سال آینده در اجرای اصلاحات بهتر از ترامپ عمل کنند، پکن شکاف قدرت با ایالات‌متحده را کاهش خواهد داد؛ اما اگر ترامپ در این زمینه بهتر از چین کار کرد – و از درگیری‌های خارجی آسیب‌رسان اجتناب کند – شکاف قدرت بین دو کشور بزرگ‌تر خواهد شد.

فرستادند، در تعامل با هیئت تحریرالشام که به عنوان شاخه‌ای از القاعده شکل گرفته، با احتیاط پیش می‌روند.»

قانون آمریکا این اختیار را به وزیر خارجه این کشور داده که هر گروهی را که دست به اقدامات تروریستی زده و تهدیدی برای امنیت این کشور محسوب می‌شود، در فهرست سازمان تروریستی خارجی قرار دهد. قرار گرفتن در این فهرست امکان پیگرد قانونی این گروه، حامیان فعال آن و همچنین اعمال تحریم‌هایی را ناممکن می‌سازد و از طرفی اتخاذ هرگونه تصمیم برای کمک به این گروه از فهرست گروه‌های تروریستی نیز مستلزم تشمخیص و تأیید وزیر امور خارجه این کشور است. با توجه به مجموع این مواضع رویکرد‌ها، گزارش‌های متعدد حاکی است سازمان ملل به همراه آمریکا و چند کشور دیگر در حال بررسی حذف نام هیئت تحریرالشام از فهرست گروه‌های تروریستی خارجی‌اند.
العربی الجدید نیز در رابطه با رویکرد احتمالی آمریکا در حذف تحریرالشام از لیست گروه‌های تروریستی نوشت: «دولت بایدن به دنبال لغو تحریم‌های سوریه پیش از ۲۰۲۰ زانو به‌یعنی تاریخ تحلیف دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکاست، همچنین انتظار می‌رود این تصمیم شامل لغو تحریم‌های آمریکا علیه حکومت بشار اسد، جمله «تحریم‌های قیصر» باشد و پیش‌بینی می‌شود جو بایدن ظرف چند روز آینده آن را امضا کند.»
برابراین چنانچه آمریکا تصمیم بگیرد تحریرالشام را از لیست تروریستی خود حذف کند، این امر ممکن است به دلایلی چون رفع تحریم‌های سوریه، افزایش جریان مالی، کمک به اوارگان و بازسازی کشور، تضعیف رقبای منطقه‌ای، تغییر دینامیک‌های جنگ و تبدیل وشناسایی این گروه به عنوان بازیگر هسو با منافع آمریکا در منطقه باشد.